

بی نظم منظم

«اجتماعی» علیه «شاخ پشمی»

اصطلاح سینمای اجتماعی ریشه در سنت‌های اقتصادی تولید سینمای ایران دارد



علیرضا محمودی

اصطلاح رایج سینمای اجتماعی که برای توصیف بخشی از فیلم‌های ایرانی به کار می‌رود، به شکل زیر پوستی به عنوانی برای ارزشگذاری فیلم‌ها تبدیل شده است. این ترکیب که استفاده از آن در ادبیات سینمایی فارسی سابقه ۸۰ ساله دارد، نشانه‌ای برای جدی گرفتن فیلم‌هاست. وقتی نویسنده یا گوینده، فیلمی را متعلق به گروه ازلی و ابدی سینمای اجتماعی ایران می‌داند از مخاطب تقاضا دارد که ضمن جدی گرفتن فیلم مورد نظر، بدون نیاز به دیدن فیلم ارزش افزوده‌ای برای آن قائل شود.

پسین‌های اجتماعی در لاله‌زار دهه‌های ۱۰ و ۲۰ به نمایشنامه‌هایی اطلاق می‌شد که داستان آنها درباره مسائل روز بود. ارج و قرب تماشاخانه‌ها در این دوره از به صحنه بردن نمایش‌های تاریخی و حماسی به دست می‌آمد؛ نمایش‌هایی که نیازمند دوخت و دوز پوشاک برای عوامل، طراحی و ساخت دکور برای صحنه‌ها و چهره‌آرایی بازیگران نقش‌های مهم و ترتیب‌دادن موسیقی مورد نیاز برای صحنه‌های حساس بود.

هزینه تولید چنین نمایش‌هایی به مراتب بیشتر از نمایش‌های اجتماعی بود و مدیران تماشاخانه‌ها برای اجرای آنها نیازمند صرف هزینه‌های به مراتب بیشتری از اجرای پیس‌های با موضوعات روز بودند. هزینه اجرای نمایش شاه عباس، تاج‌افشار، امیر ارسلان یا نادرشاه در هندوستان کجا و قیمت به صحنه بردن نمایش در دسر مالیات، کارمندان یا محکوم بی گناه کجا. اما درآمد اصلی و اقبال عمومی مخاطبان لاله‌زار دهه ۲۰ روی دوش نمایش‌های تاریخی بود و گیشه پیس تاریخی قابل مقایسه با باقی پیس‌ها نبود. مردم بازیگرانی را شایسته لقب هنرمند می‌دانستند که نقش شاهان و چهره‌های تاریخی را بازی کنند.

نصرت‌الله محتشم ستاره بودنش را در لاله‌زار مدیون همین نقش‌ها بود. حتی رضاشاه هم برای نقش سلطان محمود برای ترکیب بازیگران فیلم فردوسی در فیلمبرداری مجدد پروژه، محتشم را پیشنهاد می‌داد. اما اجرای بی‌وقته نمایش‌های تاریخی برای تماشاخانه غیرممکن و از توان مالی مدیران و تعداد نیروی انسانی اهالی نمایش پایتخت دور بود. اجرای پیس‌های اجتماعی اما در فاصله به صحنه رفتن درام‌های تاریخی هم از لحاظ ارزیابی و تولید و هم برای تداوم گردش مالی مؤسسه تنها راه حل به نظر می‌رسید. تماشاخانه‌ها در تبلیغات این نمایش‌ها سعی می‌کردند از کلماتی استفاده کنند که جای شگوه و جلال اجراهای تاریخی و حماسی را پر کنند.

به همین دلیل در تبلیغات آنها واژه‌هایی نظیر انتقادی، عمیق و تأثیرگذار استفاده می‌شد. سنت ارزش‌افزودهدادن به نمایش‌های اجتماعی به واسطه انتقادی بودن آنها اندک‌اندک با توجه به اتفاقات سیاسی دهه ۲۰ کلمه جسارت را هم به توصیفات نمایش‌ها اضافه کرد. وقتی بعد از ۱۳۳۲ با جایگزینی آتر اکسیون و نمایش‌های ترکیبی و کم‌دی به جای پیس‌های انتقادی، لاله‌زار از نهاد مرجع طبقه متوسط به محل رفت‌وآمد طبقه دیگری تبدیل شد که نهایت توقعی که از انتقاد داشت ترقص تفکری و ترنم مهوش بود. در این دوره حیات اقتصادی تماشاخانه‌ها به شکل دیگری ادامه پیدا کرد. در این دوران و با کوچ عوامل نمایش‌ها به سینما سنت ارزش‌افزوده پیس اجتماعی بر پیس تاریخی از دفاتر تماشاخانه‌ها وارد گفتمان تبلیغاتی دفاتر سینمایی شد.

سینما در دهه ۳۰ نهاد مرجع طبقه متوسط شده بود و فیلم رسانه ممتاز. تلفیق ملودرام‌های خانوادگی و جنایی با ایده‌های اجتماعی خوشایند و مورد پسند طبقه متوسط کارمند ایرانی یکی پس از دیگری ساخته و روانه اکران می‌شدند. حضور نمادهای لاله‌زار تلاشی برای همه‌گیر کردن فیلم‌هایی بود که با پول بلیت طبقه متوسط به تنهایی دخل و خرج نمی‌کرد.

اگر امروز فیلمساز‌ی به واسطه کم‌دی نبودن فیلمش خواستار ارزش‌افزوده‌دادن به فیلمش است و یا نویسنده سینمایی بی هر توضیح اضافه برای شمردن ویژگی فیلم‌ها از اصطلاح سینمای اجتماعی استفاده می‌کند، تداوم سنتی است که در دهه ۴۰ فیلم‌های تاریخی و حماسی را با عبارت شاخ پشمی توصیف می‌کرد.

روز اول فجر چهل و سوم از چشم دوربین

برج میلاد در آینه سیمرغ



عبور از کنار پوستری که روز اول انتشارش جنجال به پا کرد



«همشهری» برای دومین سال پیاپی روزنامه جشنواره منتشر می‌کند



بهروز افخمی خیلی زود وارد سالن نمایش فیلم شد



آخرین تلاش‌ها برای آماده‌سازی برج میلاد



سارا حاتمی در نشست خبری «بازی خونی»

عکس‌نوشت

نشست خبری جشنواره دوم

۱۱ بهمن ۱۳۶۲، باغ فردوس نشست خبری دومین جشنواره فیلم فجر با حضور ۲ نفر از مسئولان برگزارکننده جشنواره، سمت راست تصویر حجت‌الله سیفی، کارگردان دهه ۶۰ نشسته و کنارش زنده یاد ابوالحسن علوی طباطبایی، مترجم و نویسنده سینمایی حضور دارد. در دهه اول انقلاب همه چیز ساده و بدون تشریفات برگزار می‌شد.

دومین جشنواره فیلم فجر

۱۲-۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۲

SECOND FAJR FILM FESTIVAL

Tehran Feb 1-11 1984

